



حکومت هخامنشیان

نقش و نگار گل نیلوفر در ایران باستان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۴ بهمن ۱۳۹۱ ۷۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

گل نیلوفر را که در تمام نقاط تخت جمشید حجاری شده، می توان نماد تمدن هخامنشی دانست. این گل که در اکثر تصویرها در دست شاه و بزرگان دیده می شود، سمبلی از صلح و دوستی است. می توان گفت که این گل مهربانی و صلح دوستی ایرانیان را نشان می دهد. گفته می شود ۱۲ گلبرگ این گل ۱۲ ماه سال را نشان می دهد. سطح فرهنگ هر قوم با علاقه مندی و استفاده آنان از گل رابطه مستقیم دارد. تصویر زیاد گل ها در تخت جمشید علاوه بر اینکه خوشبویی و زیبایی این مکان را نشان می دهد، دلیلی بر بالا بودن سطح فرهنگ ایرانیان آن زمان نیز است.



گل نیلوفر را که در تمام نقاط تخت جمشید جاری شده، می توان نماد تمدن هخامنشی دانست.

این گل که در اکثر تصویرها در دست شاه و بزرگان دیده می شود، سمبلی از صلح و دوستی است. می توان گفت که این گل مهربانی و صلح دوستی ایرانیان را نشان می دهد. گفته می شود ۱۲ گلبرگ این گل ۱۲ ماه سال را نشان می دهد. سطح فرهنگ هر قوم با علاقه مندی و استفاده آنان از گل رابطه مستقیم دارد. تصویر زیاد گل ها در تخت جمشید علاوه بر اینکه خوشبویی و زیبایی این مکان را نشان می دهد، دلیلی بر بالا بودن سطح فرهنگ ایرانیان آن زمان تیز است.

برای دانلود کتاب گل نیلوفر در تاریخ ایران به ادامه نوشتار بروید

...



گل نیلوفر در فرهنگ و تمدن ایران سمبلی است از صلح و صفا و دوستی و در تمام تخت

جمشید نه تنها این گل بلکه تمام گل‌های دیگر نیز به چشم می خورد و این خود نشان می دهد که در این مکان کاشت این نوع گل و گل‌های دیگر متداول بوده و این دلیلی است بر فرهنگ غنی ایران در آن زمان . اگر ما فرض بر این بگیریم که این تزئین (یعنی گل نیلوفر) از هنر مصر تقلیدی محض است پس در مورد حیوان گاو چه توجیهی داریم؟ همانطور که می دانیم به عقیده ایران باستان و زرتشتیان گاو نخستین حیوان افریده شده توسط اهورا مزدا است و انرا مظهر خیر و برکت می دانستند و مورد احترام ویژه ای در بین تمام حیوانات دیگر بوده است . از طرفی در مصر نیز گاو از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است و برای آن حتی تا حد پرستش منزلت و شأن ویژه ای قائل بوده اند ،



که نمونه آن گاو آپیس است که آنرا هدیه ای از آسمان می دانستند . از طرف دیگر حیوان گاو در هند و در اسپانیا نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است . ایا درست تر نیست که ما به جای این که همواره از هنر تقلیدی صحبت به میان آوریم، از هنری نام ببریم که مربوط به همین سرزمین بوده است و از زمان گذشته وجود داشته است و این عناصر مشترک نیز جزو اعتقادات و بینش فرهنگ ایران و مصر است نه تقلید یکدیگر از همین مظاهر . در تخت جمشید از انواع تزئینات مختلفی که هر یک سنبلی و نشانه ای محسوب می شوند استفاده شده است از جمله این تزئینات انواع گل های متنوعی است که برخی از آنها را می توان در دست اشراف زادگان و پادشاه مشاهده نمود . البته این گلها و شاخ و برگ های متعدد با شکل های فراوان نیز در اکثر نقاط تخت جمشید به چشم می خورد که بیشتر به عنوان حاشیه بکار رفته اند. از انواع این گلها ، گل نیلوفر که به دلیل شباهت بسیار زیاد آن همواره آنرا تقلیدی از هنر مصر دانسته اند ولی در اینجا باید یاد آور شد که در تزئینات تخت جمشید انواع مختلفی از گل مشاهده می شود که البته در مورد گل های نمادین نیز نظرات بی شماری ارائه شده است و حتی ممکن است که این گلها در اصل شی شیشه عطر و یا هر چیز شبیه این بکار رفته می شده است .



نکته دیگری که ذکر آن لازم و ضروری است آن است که برخی از عناصر جزء اعتقادات و فرهنگ و رسوم یک ملت محسوب می شود و ممکن است همین عناصر همان نقشی را ایفا کنند که در ملت دیگری ایفا کرده است مانند همین گل نیلوفر . اگر بپذیریم که گل نیلوفر در فرهنگ مصر رواج داشته و وارد فرهنگ ایران شده است پس چه توضیح دیگری در مورد گلهای مختلف دیگری که دیده می شود داریم؟ ایا نه این که عملا از این موارد همواره در هنر تخت جمشید به عنوان تقلید محض گفته شده است و همواره می خواسته اند هنر تخت جمشید را تحت شعاع هنر دیگر ملل درآورند ؟ البته در اظهار نظر دیگری این اشکال را گل نمی دانند بلکه با توجه به پیدا شدن شی بنزی که شبیه این گلهاست احتمال دارد که آنها شیشه عطر یا چیزی شبیه آنها باشد . یکی از مشکلات دیگری که در بررسی هنر ایران زمین کاملا مشهود است که باستان شناسان مختلفی که برای مطالعه ، تحقیق و کاوش به ایران

آمده از ابتدا هنر مصر و یونان و بین النهرین را مورد مطالعه قرار داده اند و هنگامی که به ایران آمده اند از هر چیزی به عنوان تقلیدی از همان نمونه در معماری کشور ها و ملل یاد شده نام برده اند البته این کار از دو حالت خارج نیست : یا عمدی بوده است و از زیبایی این هنر ، انقدر به وجد آمده اند و معماری خود را پایین تر از هنر ایران دیده اند که از این شیوه استفاده نموده اند که همواره هنر ایران را تحت شعاع و زیر مجموعه ای از هنر ملل دیگر محسوب کرده اند و یا این که واقعا این کار سهوی و غیر عمدی بوده است .. البته قبول حالت اول درست تر است و اگر باستان شناسان از هنر ایران قبل از هنر یونان ، مصر و بین النهرین باز دید نموده بودند مطمئنا اوضاع به گونه ی دیگری بود.



از دیگر مواردی که همواره باستان شناسان به آن اتکا نموده اند وجود پیکره ها، تندیسها، مواد تزئینی، زیور الات و.... که توسط ملل دیگر ساخته و پرداخته شده بوده است و در تخت جمشید یاد شده است و انرا دلیلی بر تقلید محض تمام موارد هنر ایران در تخت جمشید دانسته اند .

در حالی که همه ما می دانیم و کتیبه های مکتوب نیز حاکی از این مطلب است که در آن زمان ۲۳ ملت مختلف به ایران باج می دادند و کشور های مختلف در زیر سلطه ایران بوده اند و این امر در تالار آپادانا نیز به صورت حجاری نوشته و شکل داده شده است و این موارد در اصل هدایا و پیشکشی هایی بوده است که توسط نمایندگان همان ملل به دربار ایران فرستاده شده است و در خزانه نگهداری شده است .

هنر های فرعی هخامنشی مانند نقره سازی ، لعاب کاری، زرگری، منبتکاری، ریخته گری، بافندگی فرش و پارچه ، مرصع کاری در اوج کمال بوده است و بعنوان تحفه های گرانبهایی به نقاط دور دست صادر می گردیده است .

نمونه بارز انرا می توان فرش پازیریک دانست که در ناحیه جنوب سیبری بدست آمده که این فرش در ایران بافته شده است و به شاه سکایی هدیه داده شده بود .

لازم است عین سخن رانی مایکل رُف را در مورد حجاری تخت جمشید ذکر کنیم :

«حجاران تخت جمشید از هر ملیتی که بوده اند ازادی نا چیزی برای بروز ابتکار در کارشان داشته اند آنها فقط به طور دقیق آنچه را توسط طراحان طرح شده بود است اجرا می کردند و به طور معمول از آن طرحها پیروی می کرده اند ریشه موضوعاتی که روی نقوش برجسته نقش شده است نمی تواند ملیت صنعتگرانی را که آنرا حک کرده اند به ما بگوید ، مطلبی که بعضی از دانشمندان مطرح کرده اند ، ولی به جای آن سابقه طراح را روشن می سازد .

تحقیقات انجام شده بر روی اصل موضوعات نقش شده در تخت جمشید نشان می دهد که آن نقش ها از سنت های هنری بسیاری به وام گرفته شده است که مهمتر از همه نقوش برجسته س دوران اولیه هخامنشی در شوش ، پاسارگاد و بیستون بوده است ، و موضوعی که به همین اندازه اهمیت دارد نفوذ هنر بین النهرین ، بابل و اشور است ظاهرا این طور به نظر می رسد که هنر مصری، یونانی، فینقی، عیلامی،مادی، اورارتویی و سکایی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در خلق سبک تخت جمشید اثر داشته است .

حتی اگر بتوانیم به طور دقیق مشخص کنیم ، هنوز هم باید بپرسیم چرا بعضی موضوعات مورد قبول قرار گرفته و بعضی دیگر رد شده اند .مادگارت روت در این اواخر اظهار نظر کرده است که این طرز انتخاب برنامه آگاهانه ای از تبلیغات سیاسی را که به وسیله شاه ایران اتخاذ می شده است تصویر میکند.»

برای دانلود کتاب گل نیلوفر در تاریخ ایران بر روی تصویر زیر کلیک کنید



ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «نقش و نگار گل نیلوفر در ایران باستان»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوستهای آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1227/pdf/نقش-و-نگار-گل-نیلوفر-در-ایران-باستان.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۴ بهمن ۱۳۹۱